

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

موضوع: بصیرت ورهبری

پژوهشگر: مریم محمدزاده

زمستان ۹۴

مقدمه:

این پژوهش با عنوان بصیرت از دیدگاه رهبری نوشته شده است. بصیرت از دیدگاه رهبری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل بر ما واجب است به این موضوع توجه کنیم. یکی از موضوعاتی که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای در چند سال اخیر به آن تأکید داشتند، مفهوم «بصیرت» و ضرورت برخورداری و بهره‌مندی از آن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بوده است و مشکل اصلی جامعه اسلامی را نبود بصیرت و ضرورت در این عرصه عنوان نموده‌اند. به جرأت می‌توان گفت دلیل همه انحرافات سیاسی و اعتقادی که تا کنون ملت‌ها با آن روبرو بوده‌اند و بعضاً به نابودی و انحطاط آنان نیز منجر شده، رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های بدون بصیرت بوده است. (آفتاب، ۱۳۹۱: ۱۰۱، ۲۲۶)

بصیرت عبارت است از آینده‌ای واقع‌گرایانه، محقق‌الوقوع و جذاب برای سازمان شما. بصیرت، بیان صریح شما از سرنوشتی است که سازمانتان باید به آن سمت حرکت کند؛ آینده‌ای است که برای شما به گونه‌های مهمی موفقیت‌آمیزتر و مطلوب‌تر از وضعیت فعلی آن است؛ بصیرت همیشه با آینده سروکار دارد. در واقع بصیرت آنجایی است که فردا آغاز می‌شود؛ زیرا آن چیزی را بیان می‌کند که شما و دیگر کسانی که در بصیرت سهیم هستید، می‌خواهید برای ایجاد آن جدی کار کنید. بصیرت فقط ایده یا تصویری از آینده‌ای مطلوب‌تر برای سازمان است. البته بصیرت صحیح ایده‌ای است که آن چنان تولید انرژی می‌کند که در واقع با به‌کارگیری مهارت‌ها، استعدادها و منابع لازم برای محقق کردن آن، آینده را به طور جهشی آغاز می‌کند. (نی‌نوس، ۱۳۷۷: ۲۰).

روش تحقیق:

این تحقیق با توجه به موضوع "بصیرت و رهبری" از نوع توصیفی، تحلیلی می‌باشد که در این روش سعی شده از کتاب‌ها، مجلات و سایت‌های معتبر استفاده شود و بعد از مطالعه و فیش برداری با ذکر منبع به ترتیب نگاشته شده است.

مفهوم اصطلاحی بصیرت:

همان گونه که گفته شد بصیرت به درک و فهمی برتر از دیدن با چشم ظاهر گفته می شود و در قرآن نیز به معنایی متفاوت تر به کار رفته است. بصیرت بیشتر در عرف جامعه ما، به بینش سیاسی در تشخیص جبهه های حق و باطل گفته می شود، اما با تأمل بیشتر درمی یابیم که این موضوع معانی لطیف و برتر از این محدوده را در خود جای داده است. تعریف بصیرت، بر اساس انواع آن چنین است:

الف) بصیرت عقلی: استفاده کامل و درست از عقل برای فهم مسائل، به تشخیص تناقضات گفتارها، تناقضات بین گفتار و رفتار فرد یا گروهی، مطالعه دقیق گذشته آنان، تطبیق شعارها و ادعاهای افراد با نوشتارها و اعمال گذشته آنان و امثال آن گفته می شود.

ب) بصیرت قلبی یا باطنی: انسان بر اثر تقوا، عبادت و مراقبه، به قوه ادراک روحی بالاتری دست می یابد که در نتیجه آن می تواند باطن افراد، و باطن مسائل و کلامها را دریابد یا دست کم به نورانیت یا ظلمانی بودن اجمالی آنها پی ببرد. زندگی با نور الهام و بصیرت باطنی و قلبی، بسیار راحت تر، پاک تر و کم خطرتر از زندگی با بصیرت عقلی است. عقل، مثل عصا در دست نابینا، خطر را نشان می دهد و راه را می نمایاند، اما دل، مثل چشم افق های دور را با همه رنگها و جزئیات نشان می دهد.

ج) بصیرت علمی: بصیرت علمی، کمکی برای بصیرت عقلی و قلبی است. اگر کسی عالم به قرآن، روایات و علوم سیاسی و اجتماعی باشد، می تواند بسیار سریع و عمیق مسائل را بررسی کند و ریشه ها را به دست آورد. چنین فردی خاستگاه فتنه را خوب می شناسد و ریشه خطاهای گوناگون را می داند و در نتیجه این بینش راه نجات را در هنگام سختی ها می داند. بنابراین، کمتر دچار فتنه می شود. اگر عاقل یا عارف مشعل بصیرت علمی را در دست داشته باشد، در رتبه رهبری قرار می گیرد. تهذیب، علم را از انحراف حفظ و علم، تهذیب را کمک می کند. بنابراین، عالم عارف همیشه مشعل دار هدایت و منجی مردم در همه فتنه های دنیوی و اخروی، سیاسی و فرهنگی، فردی و اجتماعی خواهد بود. (مهدی زاده، ۱۳۹۱)

بصیرت ازدیدگاه قرآن:

در قرآن کریم، مشتقات «بصر» ۱۴۸ بار و واژه «بصیرت» دوبار تکرار شده است. به طور کلی واژه «بصر» در متون اسلامی، گاه درباره بینایی ظاهری و حس، و گاه درباره بینایی باطنی و عقلی به کار می رود. به تعبیر دیگر، مردم

از نظر بینش به دو دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: دیده عقل آنها نزدیک بین است. آینده خود و جهان را نمی بینند و ادراکات آنها در محسوسات خلاصه می شود، و به تعبیر زیبای قرآن: «یعلمون ظاهراً من الحیوه الدنیا و هم عن الاخره هم غافلون» از زندگی دنیا، ظاهری را می شناسند حال آنکه از آخرت غافلند. (روم - ۷) این دسته، هر چند به ظاهر بینا هستند، ولی در فرهنگ قرآن و حدیث، کور محسوب می شوند.

دسته دوم: جامع نگر و واقع نگرند، هم نزدیک را خوب می بینند و هم دور را. ادراکات آنها، در محسوسات خلاصه نمی شود، هم خانه دنیا را می بینند و هم خانه آخرت را. در فرهنگ قرآن و حدیث، این دسته از مردم، بصیر و بینا نامیده می شوند.

بر پایه روایتی، امام علی (ع) این دو دسته از مردم را این گونه معرفی نموده است:

«همانا دنیا واپسین دیدرس انسان کور (دل) است و در فراسوی آن، چیزی نمی بیند، اما بصیر و بینشور، نگاهش از دنیا فراتر می رود و می داند که سرای (حقیقی) در ورا این دنیا است. پس بصیر از دنیا دل و دیده بر می گیرد و کور (دل) به آن می نگرد. بینشور و بصیر از آن توشه بر می گیرد و کور (دل) برای آن توشه فراهم می آورد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳) (www.tebyan.net).

بصیرت از دیدگاه امام خمینی :

امام خمینی (ره)، از عمده ی ملاک های گزینش در انتخاب را بصیرت دانسته اند:

" رای خود را به شخصی که متعهد به اسلام و خدمتگزار به ملت و کشور و حامی مستضعفان و دارای بصیرت در امر دین و دنیا و منزله از گرایش به شرق و غرب و مکتب های انحرافی و دارای دید سیاسی است، بدهند."

امام خمینی داشتن بصیرت را برای خواص امری ضروری می دانند. نمایندگان مجلس و نخبگان و جوانان از جمله خواص هستند که امام خمینی در مورد بصیرت داشتن آنها تاکید فراوانی دارد.

امام خمینی (ره) در مورد معتمدین و مراجع تقلید نیز چنان که در پیام خود به روحانیون مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه ی جمعه و جماعات کشور می فرماید: "در هدف، علم و آگاهی به نکته هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرها و گذرها و کمین گاه ها را بهتر بشناسند." (www.hawzah.net).

بصیرت از دیدگاه رهبری :

رهبر فرزانه انقلاب در توضیح دقیق بصیرت می فرماید: «بصیرت را در دو سطح میتوانیم تعریف کنیم. یک سطح، سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا میکند. ... این، پایه‌ی اساسی معرفت است؛ پایه‌ی اساسی بصیرت است. این بصیرت خیلی چیز لازمی است؛ این را باید ما در خودمان تأمین کنیم. بصیرت در حقیقت زمینه‌ی همه‌ی تلاشها و مبارزات انسانی در جامعه است. این یک سطح بصیرت.

بجز این سطح وسیع بصیرت و لایه‌ی عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه طور میشود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او میگردد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا میکند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکر فاعتبر»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد میکند؛ یعنی بینائی ایجاد میکند و انسان چشمش به حقیقت باز میشود. امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در جای دیگر میفرماید: «فأما البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر»

(سخنان مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان استان قم ۱۳۸۹).

راه تحصیل بصیرت

برای نیل به مقام رفیع بصیرت باید به بازسازی و اصلاح نفس خویش پرداخت. مجاهده با هوای نفس و تهذیب روح از زنگارهای گناه، لطیف و شفاف ساختن آینه دل به نور توحید، تنها صراط مستقیمی است که "حجاب دیدگان دل" امی گشاید و آدمی را در معرض الهامات غیبی و مقام کشف و شهود قرار می دهد. شاید بتوان راه های زیر را برای دریافت صحیح بصیرت پیشنهاد نمود:

۱. توبه: اولین گام برای تهذیب نفس و تحصیل بصیرت است. توبه از تقصیرات و گناهان، بلکه از کوتاهی‌ها و جبران حق الله و حق الناس است.

۲. ذکر خدا: ذکر زبانی، قلبی و عملی، موجب بصیرت می‌گردد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ اسْتَبْرَه؛ هر کسی به یاد خدا باشد، بینایی و بصیرت یابد».

۳. هم نشینی با علما: مجالست با علما که موجب بصیرت و بینایی است. علی (ع) می‌فرماید: «جاور العلماء تستبصر؛ با دانایان بنشین تا آگاهی یابی».

۴. خرد ورزی: کسی که هر خبر یا مطلبی را می‌شنود، فوراً نمی‌پذیرد، بلکه پیرامون آن می‌اندیشد و آن را از صافی عقل و اندیشه‌اش می‌گذرانند، بصیرت و بینایی می‌یابد، چنان که آینده‌نگری و به‌کارگیری خرد در فرجام امور باعث بصیرت و بینایی می‌گردد.

۵. زهد: عدم دلبستگی به دنیا، از اموری است که باعث بصیرت می‌گردد.

۶. ارتباط با خدا: ازدیاد معرفت به خدا، انس با قرآن و معانی و معارف آن، توسل به ائمه (ع) و مناجات با خدا در خلوت مخصوصاً نماز شب از اموری هستند که موجب بصیرت و بینایی و برخورداری از الهامات غیبی می‌شود. (www.erfan.ir).

درجات و مراتب بصیرت

بصیرت باطنی و بینایی دل، درجات و مراتبی دارد. اوج آن مرتبه‌ای است که ائمه (ع) دارند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «لو كشف الغطاء ما ازددت یقیناً؛ اگر همه پرده‌ها فرو افتد، چیزی بر یقین من افزوده نمی‌شود» (علامه مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۰۹). اگر چه آن مرتبه از یقین مخصوص اولیای معصوم (ع) است، ولی دیگران نیز می‌توانند مراتبی را تحصیل نمایند. هر کسی نور باطنی را از فطرت خدا داد خویش استخراج کند و چشم و گوشش باز شود، می‌تواند خدا و نشانه‌های او را با «چشم دل» ببیند و صدای تسبیح موجودات هستی را بشنود، که به حکم «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض». همه آنان که در آسمان و زمینند، تسبیح خدا می‌کنند. بسیاری از واقعیت‌ها را که با چشم نمی‌توان دید، با بصیرت مشاهده می‌کند، بلکه توانایی دیدن جهنم و شنیدن

صدای زفیر آن را پیدا می کند، چنان که قرآن می فرماید: «کَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ، ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ».
(www.wikiporsesh.ir).

اثار بصیرت

در حدیث نبوی آمده است که در دل هر بنده‌ای دو دیده نهانی است که به واسطه آن دو، غیب را می‌نگرد و چون خدا بخواهد در حق بنده‌ای نیکی کند، دو چشم دلش را می‌گشاید تا به واسطه آن، آنچه را که از دیدگان ظاهریش نهان است، بتواند دید.

از شمار انسان‌های صاحب بصیرت «حارث بن مالک بن نعمان انصاری» بود. پیامبر اکرم از او پرسید: "چگونه‌ای و در چه حالی؟" عرض کرد: "مؤمن راستین و اهل یقینم". پیامبر فرمود: "علامت یقین و ایمان راستین چیست؟" عرض کرد: "زهد و کناره‌گیری نفسم از دنیا و دل‌بستگی آن، موجب شد که شبهایم را به بیداری و عبادت و روزهایم را به روزه و تشنگی بگذرانم، از این رو به درجه‌ای از بصیرت و بینایی رسیده‌ام که گویی عرش پروردگارم را که برای حسابرسی بر پا شده است، می‌بینم و بهشتیان را در حال زیارت یکدیگر می‌نگرم و زوزه و حشتناک جهنمیان را از درون آتش می‌شنوم". پیامبر فرمود: "بنده‌ای است که خدا قلبش را روشن کرده است. حال به برکت این نور الهی صاحب بصیرت شده‌ای پس آن را حفظ کن".

این خاصیت نور باطنی یا بصیرت است که از فطرت انسان پرتو افشان می‌شود و اگر منبع الهی آن (فطرت) زنده به گور نشود و غبار آلودگی‌ها و تیرگی هواهای نفسانی آن را نپوشاند، همواره چشم بصیرت باطن، پر فروغ خواهد بود اما اگر در پشت ظلمت گناه پنهان گردد و انسان تبهکار، حقیقت خود را نبیند، از آن رو که نوری ندارد، خود را گم می‌کند و پس از مدتی خویشتن را به کلی فراموش می‌نماید. (www.wikiporsesh.ir).

بخشی از بیانات رهبری درباره ی بصیرت

- بصیرت یعنی اینکه بدانیم شمری که سر از پیکر امام حسین(ع) جدا کرد همان جانباز صفین بود که تاچند قدمی شهادت پیش رفت. (بیانات در دیدار با مردم: ۱۳۹۰).

- باید بیدار باشید، باید هوشیار باشید، باید در صحنه باشید، باید بصیرت را محور کار خودتان قرار دهید. مواظب باشید دچار بی‌بصیرتی نشوید. (در دیدار با جوانان و دانشجویان استان قم: ۱۳۸۹).

- یک نکته‌ای در اینجا وجود دارد: گاهی بصیرت هم وجود دارد، اما در عین حال خطا و اشتباه ادامه پیدا میکند؛ که گفتیم بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است. (در دیدار با جوانان و دانشجویان استان قم: ۱۳۸۹).

- مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی همین تدبیر است؛ مطالبه‌ی همین نگاه کردن است؛ مطالبه‌ی چیز بیشتری نیست. و به این ترتیب میشود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است؛ همه میتوانند بصیرت پیدا کنند. (در دیدار با جوانان و دانشجویان استان قم: ۱۳۸۹).

- بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دامهای گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پیشداوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبیر کند، میتواند واقعیت را پیدا کند. (در دیدار با جوانان و دانشجویان استان قم: ۱۳۸۹).

- نباید از گفته‌ها یا نوشته‌های ما برداشت اختلاف شود و اگر هم اختلاف نظری است، نباید جلوی مردم اخم کرد و بهانه به دست رسانه‌های بیگانه داد. (در دیدار با مسئولان نظام: ۱۳۹۰).

- برای اینکه بتوانند این انقلاب را از درون شکست بدهند. ملت در مقابل این توطئه‌ی بزرگ، این حرکت خصمانه، با آگاهی و بصیرت و عزم و ایستادگی بی‌نظیری توانست دشمن را به شکست بکشاند. تجربه‌ای که در این هشت ماه بعد از انتخابات تا بیست و دوم بهمن بر این ملت و بر این کشور گذشت، تجربه‌ای پر از درس، پر از عبرت و حقیقتاً مایه‌ی سربلندی ملت ایران است. (۱۳۸۹/۱/۱)

-خسته مباد گامهای استوارتان، سربلند باد پرچم همت و آزادگی‌تان، درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی‌همتایتان که همیشه در لحظه‌ی نیاز، صحنه رویارویی با بد دلان و بدخواهان را عرصه‌ی پیروزی حق می‌سازد و نمایشگاهی از عزت و عظمت می‌آراید. (۱۳۸۸ / ۱۱ / ۲۲)

نگاه ویژه مقام معظم رهبری در وجود بصیرت در میان یاران خویش

با نگاهی به تاریخ پر فراز و نشیب انقلاب اسلامی ایران، می‌بینیم قهرمانان بزرگ انقلاب که بیشترشان به فیض شهادت نائل آمدند صاحب بصیرت بودند. یکی از این بزرگان، شهید دکتر مصطفی چمران است. پایگاه حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مناسبت سالگرد شهادت دکتر مصطفی چمران بخشی از سخنان مقام معظم رهبری را در مورد دکتر چمران بازنشر داده است که در ذیل می‌آید:

... بعد معلوم شد که «دکتر چمران» نگاه سیاسی و فهم سیاسی و آن چراغ مه شکن دوران فتنه را هم دارد. فتنه مثل یک مه غلیظ، فضا را نامشخص می کند؛ چراغ مه شکن لازم است که همان بصیرت است. آنجا جنگید؛ بعد که انقلاب پیروز شد، خودش را رساند اینجا. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰: ۲۹۱، ۱۴۰۲۹۱: ۹۰۰۵).

نتیجه گیری

الگوی رهبری امام خمینی دارای ابعاد و جنبه های مختلفی است که به تناسب ظرفیت مقاله، یکی از مهم ترین آنها یعنی بصیرت مورد توجه قرار گرفت. شایسته است رهبر و مدیران کلان و خرد جامعه اسلامی با توجه به شاخص های پیش گفته برای بصیرت، به دوراندیشی و داشتن چشم انداز اهتمام داشته باشند و نسبت به محیط، افراد، محیط، رقبا و دشمنان هوشمندی و شناخت لازم را تحصیل کنند تا بتوانند مدیریت اسلامی را در عمل، تجربه و به الگوهای ارزشمندی همچون حضرات معصومین و امام خمینی تاسی کنند. تقوای الهی از منابع مهم بصیرت است، از این رو داشتن تقوا در سطح بالا برای چنین رهبران و مدیرانی توصیه می شود. (پیروز، ۱۳۹۱: ۲۵).

از نظر قرآن نیز، بصیرت دارای نتایج مثبت و سازنده ای است و آن چه موجب می شود تا انسان از داده های اطلاعاتی خود به درستی استفاده نماید، قلب آدمی است. قلب با تحلیل ریز و درشت امور و دقت در آن، به آدمی توانایی تحلیل درست وقایع و حقایق آن را می دهد. انسان بصیر کسی نیست که تنها چشم داشته باشد بلکه کسی است که بتواند با تجزیه و تحلیل واقعیت ها، تصمیم درست بگیرد و نسبت به حوادث، بینش دقیقی داشته باشد. (ستوده نیا، ۱۳۸۸: ۳۲).

امام علی علیه السلام فرموده است: «هرگاه دیده بصیرت، کور باشد، نگاه چشم، سودی ندهد».

آن کس که دیده بصیرت دارد، نگاه هایش به سوی خوبی ها کشانده شده، از بدی ها دور داشته می شود. دارنده بصیرت و بینش درونی، پیش از آن که در پی عیب های دیگران باشد، عیب های خود را می جوید و می بیند و از گناهان و خطاهای خود، دست می شوید. او می داند که دیده کور داشتن، بهتر از دل کور داشتن است، بنابراین، دیده بر نارواها بسته، گوش را از شنیدن های ناروا و پا را از رفتن به جایگاه های ناپسند و دست را از انجام کارهای ناشایسته و دل را از خطور گناه و اندیشه را از هر چه غیر خداست، پاک می کند.

کسانی که با دیده بصیرت به عالم و عالمیان می نگرند، از هر عاملی که موجب نابینایی دیده بصیرت و کوری آن می گردد، پرهیز می کنند. اینان از غفلت ها و عوامل ایجاد غفلت، دوری می ورزند؛ زیرا امام علی علیه السلام فرموده است: «دوام یافتن غفلت، موجب کوری بصیرت می گردد».

کسی که بصیرت الهی نصیبت شده است، محبت دنیا را از دلش خارج می سازد. امام علی علیه السلام فرموده است: «به خاطر دنیادوستی، قلب ها از نور بصیرت، کور گشته اند.» (www.hawzah.net).

پیشنهادات

در این بخش پیشنهاداتی را بازگویی کنم که عبارتند از:

۱- آگاهی بخشی به مردم

۲- برگزاری سخنرانی ها و همایش های متعدد

۳- برگزاری مسابقات در ارتباط با بصیرت

منابع و مأخذ

منابع فارسی:

قرآن

پیروز، علی آقا (۱۳۹۱) **مطالعات انقلاب اسلامی**، شماره ۲۹، قم، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی

ستوده نیا، محمدرضا (۱۳۸۸) **مطالعات قرآن و حدیث**، شماره ۴

مهدی زاده، ستار (۱۳۹۱) **جایگاه بصیرت در متون دینی**، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

نی نوس، برت (۱۳۷۷) **رهبری بصیر**، ترجمه ی محمد از گلی، برزو فرهی، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)

منابع انگلیسی:

www.aftab.ir

www.tebyan.net

www.hawzah.net

www.erfan.ir

www.wikiporsesh.ir

www.farsnews.com

ضمائم





